

## حکم عُلاة از دیدگاه اسلام

یکی از موارد کفر در اسلام از دیدگاه پیشوایان اسلام کسانی هستند که آنان را عُلاة می‌نامند یعنی کسانی که دربارهٔ اهل بیت عصمت و طهارت غُلُو کرده، آنها را از مرحلهٔ انسانیت بالا می‌برند خواه این که آنها را خدا بدانند مثل فرقهٔ *علی‌اللهی* یا در ستایش آنها طریق افراط ببینایند، این گروه در شمار گمراهان و کفار و مشرکانند.

راوی در یک روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: *قُلْ لِلْغَالِيَةِ تُؤْبِئُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنَّكُمْ قُتِلْتُمْ كُفَّارًا مُشْرِكُونَ* بگو به گروه عُلاة که توبه کنید و به سوی خدا برگردید و از عمل غُلُو خود دوری نمائید زیرا اینان جزو انسانهای بدکار و فاسق و کافر و مشرک محسوب می‌شوند!

این روایت علت کفر اینان ذکر نشده و لکن در برخی از کلمات گهربار وارده از ائمه (علیهم السلام) به علت کفر آنان نه تنها تصریح شده، بلکه به آن استدلال نیز نموده‌اند. مثلاً امام رضا (ع) امام هشتم شیعیان در میان جمعیتی از علی (ع) چنین نقل می‌کند: *لَا تَتَّجَاوَزُوا بِنَا الْعِبُودِيَّةَ ثُمَّ قُولُوا مَا سِئْتُمْ وَلَا تَغْلُوا آيَاتَكُمْ وَالغُلُو كَغُلُو الصَّفَارِي فَإِنِّي بَرِيٌّ مِنَ الْغَالِيْنَ* یعنی ما بندگان و عباد خدا هستیم و از حد عبودیت نباید ما را بالاتر ببرند و با حفظ مرتبه عبودیت برای ما هر نوع تمجید و

مدحی بکنند مانعی نیست تنها غلّو درباره ما نمایند و از غلّو دوری کنند مثل غلّو قوم نصاری درباره حضرت عیسی (ع) که او را به مرتبه خدائی رساندند زیرا ما از عُلاة بیزار هستیم.

در همین جا بود که مردی از میان جمعیت حضار بلند شد و گفت ای فرزند رسول خدا پس خدا را به ما توصیف کن تا حدّ غلّو و مرز آن را بدانیم و از این حدّ در مورد مدح و ثنای شما انسانهای وارسته بالاتر نرویم زیرا مسأله میان ما انسانهای عادی مورد اختلاف است.

امام رضا (ع) در پاسخ این مرد شروع نمود به توضیح بسیار شیوا در اصول توحید و خداشناسی و چنین فرمود: کسی که خدای خود را به اوصافی توصیف کند در حالی که او را قیاس به انسانها کرده باشد راه اشتباه و خطا پیموده است و از جاده حق منحرف گشته و در اعوجاج غوطه ور شده و راه حقیقی را گم نموده، مطلب نازیبا گفته است زیرا من خدا را می شناسم به همان طریقی که خدا خودش معرفی کرده و توصیف نموده است، من خدا را موجودی می دانم که جسم و رؤیتی مثل انسانها ندارد و من او را توصیف به صفاتی می کنم که میرا از صورت است و قابل درک به حواس پنجگانه نیست و اصلاً قابل قیاس با انسانها نمی باشد. آری تنها خدا را با آیات و نشانه هایش می شناسیم و گنه ذات او از عقول انسانها به دور است بدون این که تشبیهی در کار باشد و در عین دوری از افهام و عقول به انسانها مثل سایر مخلوقات نزدیک است نه این که نظیر و مثلی در میان مخلوقات داشته باشد و مثل او در میان مخلوقات نیست و نه تنها هیچ مخلوقی در مقتضای ذات و صفت با او شریک نیست بلکه همه مخلوقات تابع و مطیع فرمان او هستند.

سپس در آخر کلامش فرمود: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّهُ قَالَ: مَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ شِبْهَةٍ بِخَلْقِهِ وَلَا عَدْلَةٍ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ ذَنْبًا عِنْدَهُ مِنْ جَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) نقل می کند که فرمود: هیچ انسانی خدا را نشناخته است اگر او را تشبیه به مخلوقات کند و نیز هیچ انسانی او را عادل ندانسته اگر گناه بندگان را به او نسبت



سؤال کرد: یا ابا الحسن بَلِّغْنِي إِنَّ قَوْمًا يَقْلُونَ فِيكُمْ وَيَتَجَاوَزُونَ فِيكُمْ الْحَدَّ. ای ابوالحسن به من خبر رسیده است که جمعی از طرفداران شما درباره شما غلو می کنند و شما را از آن حدی که دارید، بالا می برند؟

امام رضا (ع) در پاسخ وی فرمودند: از پدرم و او نیز از پدرش و جدش از علی بن ابیطالب و او نیز از رسول خدا (ص) چنین نقل می کند:

لَا تَزْفِقُونِي فَوْقَ حَقِّي فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا. ای مؤمنین مرا از حدی که حق است برای من بالاتر نبرید (و به حد خدائی نرسانید) زیرا خداوند مرا عبد و بنده خود قرار داده است قبل از این که به مقام نبوت برسم سپس برای کلام خود این آیه را از قرآن (سوره آل عمران ، آیه ۷۹ - ۸۰) شاهد آورد:

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او بدهد و سپس او به مردم بگوید غیر از خدا پرستش کنید، بلکه سزاوار مقام او این است که بگوید: مردمی الهی باشید به آن گونه که کتاب خدا را آموخته و درس خوانده اند (و غیر از خدا پرستش نکنید) و نه این که شما را دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را پروردگار خود انتخاب کنید آیا شما را به کفر دعوت می کند پس از آن که مسلمان شدید؟

سپس از علی (ع) چنین نقل می کند: يَهْلِكُ فِيهِ إِثْنَانٍ وَلَا ذَنْبَ لِي مَحِبِّ مَفْرُطٍ وَ مَبِغِضٍ مَفْرُطٍ. دو طائفه درباره من هلاک می شوند درحالی که من در هلاک شدن آنها گناهی ندارم طائفه اول کسانی که حب مفرط دارند (به طوری که مرا خدا می دانند) و طائفه دیگر نیز درست نقطه مقابل آن مرا دشمن می دارند و در دشمنی بامن زیاده روی

می‌کنند.

بعداز نقل این روایت از رسول خدا(ص) و علی(ع) فرمود: ما اهل بیت عصمت منسوب به وحی بوده از کسانی که درباره ما غلو می‌کنند و ما را از حد انسانی خود بالا می‌برند، بیزار هستیم همان طور که حضرت عیسی(ع) از نصاریٰ طبق صریح قرآن بیزاری جست آنجا که قرآن می‌فرماید:

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ بَنُ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي الْهَيْتِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۱

به یاد آور زمانی را که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟ او می‌گوید: منزهی تو، من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست بگویم، اگر چنین سخنی را گفته باشم تو می‌دانی تو از آنچه در روح و جان من است آگاهی و من از آنچه در ذات پاک توست، آگاه نیستم.

باز در جای دیگر قرآن می‌فرماید: لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِي وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيَّ جَمِيعًا ۲  
هرگز حضرت مسیح(ع) از این استنکاف نداشت که بنده خدا باشد و نه فرشتگان مقرب او (از این استنکاف داشتند) و آنها که از عبودیت و بندگی او استنکاف ورزند و تکبر کنند به زودی همه آنها را به سوی خود محشور خواهد کرد(و در رستاخیز برمی‌انگیزد).

و باز در جای دیگر قرآن وارد است:

مَا الْمَسِيحُ بَنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّنَامَ ۳

۱- سوره مائده آیه ۱۱۶-۱۱۷.

۲- سوره نساء، آیه ۱۷۲.

۳- سوره مائده، آیه ۷.

مسیح فرزند مریم فقط فرستاده خدا بود پیش از وی نیز فرستادگان دیگری بودند مادرش نیز زن بسیار راستگویی بود هر دو غذا می خوردند (با این حال چگونه دعوی الوهیت مسیح و عبادت مادرش مریم می کنید؟).

حاصل صریح این آیات این است که مسیح و مریم هر دو انسان بوده همه لوازم و آثار انسان بودن از قبیل خوردن و خوابیدن و سایر افعال لازم بشری را داشتند و خود انبیاء از قبیل عیسی (ع) و مریم طبق صریح قرآن و ائمه (ع) و طبق روایات معتبر بالا صریحاً بیزاری خود را از غلّاء و عمل کفرآمیز غلو درباره آنان ابراز داشته‌اند و لکن برخی از طرفداران آنان از روی جهالت و نادانی و یا برخی از دشمنان از روی بغض و کینه و به منظور بدنام کردن انبیاء و ائمه (ع) نسبت غلو را درباره آنان شایع می کردند چنان که هشام بن الحکم می گوید:

از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود: مغیره بن شعبه تعمد داشت که به پدرم دروغ ببندهد چه یاران او با اصحاب پدرم در تماس بودند و آنان کتب حدیث را از یاران آن حضرت می گرفتند و به مغیره می دادند و او کفر و زندقه را در آن کتب می آمیخت و به پدرم نسبت می داد سپس به یاران خویش می گفت آنها را در میان شیعه نشر دهند و هر حدیث مشتمل بر غلو که در احادیث پدرم دیده می شود از آن احادیث است.

ولذا امام صادق (ع) به پیروان خویش سفارش می فرمود که جوواناتان را از غلّاء دور بدارید که غلّاء بدترین خلق خدا می باشند و عظمت خدا را کوچک و بندگان را خداخوانند به خدا سوگند که غلّاء از یهود و نصاری و مشرکین بدترند<sup>۱</sup>.

ادامه دارد

۱- معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۶۶۸.